Online ISSN: 2980-9800
Print ISSN: 2981-0094
Journal of Documentary and Archival Studies
Homepage: https://docs.aqr-libjournal.ir/

A Structural and Content Analysis of Witness Statements (Esteshhadnameh) in the Malek National Library and Museum (1266–1353 AH)

Marzieh Mortazavi Qasabasarai[1]

1. PhD in History of Iran during the Islamic Period, Department of History, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (corresponding Author). mortazavi.qh@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 17 September 2025
Received from revised: 15 November 2025
Accepted: 7 August 2026
Available online: 1 September 2026

***Keywords*:**
Petition,
Legal-religious Documents,
Structure,
Qajar Era.

Introduction

Legal-religious documents (Asnade Sharei) constitute a category of records generated to resolve disputes and consolidate relations between people and society. Due to the authenticity, validity, and chronological proximity to the events they describe, these documents often take precedence over many historical and jurisprudential sources. The documents entail a lot of precious information on the historical, economic, social, jurisprudential, and judicial issues throughout various Iranian historical eras. Petitions (Esteshhadnameh) are a specific type of legal-religious document that entail the daily occurrences of past lives. Historically, when a dispute arose or a matter required verification, individuals sought the testimony of witnesses by requiring their handwriting and seals that are historical equivalents to the modern signatures. Every witness would state his observation on the subject and validate his testimony with a seal. That is, a petition was a written inquiry by a single person, resulting in a collective response under specific conditions by those acquainted with the matter, written in a textual form. It said that exploring these documents provides significant insights into the style of writing, the legal-religious terminology of the era, the kind of social conflicts, and the social position of the witnesses.

A huge bulk of legal-religious writings and documents has survived from the Qajar era, and these petitions are among the survived documents. The documents that are products of the era's jurisprudential-judicial system, hold a specific, largely fixed structure that, while simple, have a specific document drafting style compared to other religious documents. These petitions can give us precious data on the judicial and social affairs of every period. The information of the petitions under research in this study revolves around themes such as inheritance, land and agricultural disputes, physical altercations and homicide, forced possession of property, theft, endowment, forceful reconciliation, the non-recitation of marriage contracts, debt recovery, destruction of commercial and residential property, and ownership of houses, shops, lands, palaces, and caravanserais,

Mortazavi Qasabasarai, M. (2026). ite this article: Mortazavi Qasabasarai, M. (2025). A Structural and Content Analysis of Witness Statements (Esteshhadnameh) in the Malek National Library and Museum (1266–1353 AH), 5(1), 166-185. *Journal of Documentary and Archival Studies*.

© The Author(s) retain the copyright.
Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.
DOI: https://doi.org/10.30481/psa.2025.523114.1083

as well as water rights in village Qantas, joint ownership of properties, and in transition of part of the ownership of a property.

Key Notes

1. Introducing of the petitions (Esteshhadnameh) from the Qajar and Early Pahlavi periods preserved in the Malek National Library and Museum, and introducing the potential of this archive

2. This article represents the first independent scholarly research conducted on the petitions of the Malek National Library and Museum Archives.

Materials and Methods

Using a descriptive method, this study tried to introduce and examine 32 petitions archived at the Malek National Library and Museum, dating from the Qajar to the Early Pahlavi period. A primary focus is the reviewing of one of the most significant petitions in the collection, dated 1225 AH (during the reign of Fathali Shah Qajar). This document is about four endowed shops belonging to Aqa Mahdi Khayyambashi in the Tehran Bazaar, the proceeds of which were dedicated to a mosque and a water reservoir near to the Imamzadeh Zeid shrine. This document reveals that these endowments have been encroached upon and diverted from their original purpose over the past time, and has been endorsed by the scholars leading scholars of the capital in four stages in the years 1266, 1279, 1281, 1316, and 1332 AH. Consequently, the petition has been validated and endorsed again in the four different times.

Results

The findings showed that, similar to other historical petitions, the documents under study are simple, devoid of ornamentation, and have different structures. They originate from various regions, including Tehran, Isfahan, Tabriz, Mahabad, Guilan, Behbahan, Shiraz, Kermanshah, and Torbate Jam. These documents are both short texts of two or three lines and extensive scrolls, validated by the seals and handwriting of witnesses, ranging in number, from a one to 120 witnesses.

Discussion and Conclusion

One can conclude by the study of these petitions that the style, register, and method of these kinds of documents are used today with only minor differences compared to the past.

پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی
شاپا الکترونیکی: ۹۸۰۰-۲۹۸۰
شاپا چاپی: ۰۰۹۴-۲۹۸۱

بررسی ساختاری و محتوایی استشهادنامه‌های کتابخانه و موزهٔ ملی ملک (۱۲۶۶-۱۳۵۳ق)

مرضیه مرتضوی قصابسرایی[۱]

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
mortazavi.qh@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخچهٔ مقاله:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶
انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

کلیدواژه‌ها:
استشهادنامه،
اسناد شرعی،
ساختار شکلی و محتوایی،
دورهٔ قاجار،
دورهٔ پهلوی.

چکیده

اسناد شرعی دسته‌ای از اسناد هستند که به جهت حل مسائل و تحکیم روابط میان مردم و اجتماع به وجود آمده‌اند. این اسناد شامل مطالب و نکات بسیاری دربارهٔ مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر دوره هستند. استشهادنامه‌ها یکی از انواع اسناد شرعی محسوب می‌شوند که می‌توانند بسیاری از مسائل روزمرهٔ زندگی انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخی را نشان دهند. اسناد و نوشته‌های شرعی بسیار زیادی از دورهٔ قاجار باقی مانده‌اند، ازجمله استشهادنامه‌ها که حاصل نظام فقهی ـ قضایی آن دوره بوده‌اند. استشهادنامه‌ها دارای ساختار خاصی هستند که در عین سادگی، دارای نوعی ساختار سندنویسی مجزا نسبت به سایر اسناد شرعی می‌باشند، با این‌وجود سبک و ساختار مشخص و ثابتی در نگارش این اسناد مشاهده نمی‌شود. پژوهش حاضر درصدد است تا با رویکرد توصیفی به بررسی و معرفی ۳۲ استشهادنامهٔ موجود در آرشیو کتابخانه و موزهٔ ملی ملک بپردازد که تاکنون موردبحث و بررسی قرار نگرفته‌اند. بازهٔ زمانی این اسناد از ۱۲۶۶ق تا ۱۳۵۳ق، عمدتاً مربوط به دورهٔ قاجار و دو مورد مربوط به دورهٔ پهلوی اول است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استشهادنامه‌های کتابخانه و موزهٔ ملی ملک اسنادی ساده و فاقد تزئینات با ساختاری متغیر از مناطق مختلف ایران هستند که هم در قالب متونی کوتاه و دو الی سه سطری و هم به‌صورت مطول و طوماری با مهر و دستخط و تأیید گواهانی چند که از ۱ تا ۱۲۰ تن می‌رسید تدوین و نگارش یافته‌اند.

استناد: مرتضوی قصابسرایی، مرضیه (۱۴۰۵). بررسی ساختاری و محتوایی استشهادنامه‌های کتابخانه و موزهٔ ملی ملک (۱۲۶۶-۱۳۵۳ق). ۵(۱)، ۱۸۵ - ۱۶۶. *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*. https://doi.org/10.30481/psa.2025.523114.1083

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

© نویسندگان.

مقدمه

استشهادنامه‌ها ازجمله اسناد شرعی هستند که متأسفانه نسبت به سایر اسناد تحقیقات کمتری دربارهٔ آن‌ها انجام شده است. تنها تحقیق جامع و مستقل در این باره کتاب دو جلدی ***استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی*** تألیف حسن زندیه و مریم بلندی است که در جلد نخست از یک‌سو به نظرات محققان و اندیشمندان متقدم و متأخر دربارهٔ موضوع شهادت پرداخته و از سوی دیگر شمه‌ای از پیشینهٔ تاریخی شهادت و شهادت‌نامه و شیوهٔ نگارش آن‌ها را ذکر کرده است. جلد دوم نیز، به ساختار محتوایی و ظاهری استشهادنامه‌ها به همراه درج تصاویری از اسناد مراکز آرشیوی چون سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و وزارت خارجه اختصاص یافته است. استشهادنامه‌ها حاوی مطالب و نکات ارزشمندی دربارهٔ مسائل زندگی روزمره طبقات گوناگون جامعه هستند. در گذشته، حل اختلافات میان افراد و اثبات دعاوی، در گرو استشهاد محلی و گردآوری گواهی‌نامه‌های ممهور به مهر اشخاص بود؛ رویه‌ای که کارکردی مشابه امضای امروزی داشت. به دیگر سخن استشهادنامه‌ها پرسش مکتوب فردی هستند که با پاسخ جمعی با شرایط خاص که در جریان امر شناخته‌شده‌ای بوده‌اند، در قالب متنی مدون تهیه می‌شد. درمجموع، از استشهادنامه‌ها می‌توان اطلاعات زیادی در رابطه با امور حقوقی و قضایی و اجتماعی هر دورهٔ تاریخی به دست آورد. این اطلاعات در استشهادنامه‌های ملک حول محورهایی چون ارث و میراث، دعاوی ملکی و زراعی، نزاع و درگیری و قتل، تصرف عدوانی ملک، سرقت، امور وقفی، مصالحهٔ اجباری، جاری نشدن صیغه عقد ازدواج، وصول طلب، تخریب دکان و خانه، مالکیت خانه، دکان، زمین، قصر و کاروانسرا، دخل و تصرف در قنات روستا، اشتراکی بودن ملک و عدم انتقال سهمی از ملک هستند. در آرشیو کتابخانه و موزهٔ ملی ملک، ۳۲ سند سواد و اصل استشهادیه مربوط به دوره‌های قاجار و پهلوی اول موجود است که این مقاله به بررسی ساختاری و محتوایی آنان می‌پردازد. در پایان یکی از مهم‌ترین استشهادیه‌های آرشیو ملک مربوط به چهار دهنه دکان وقفی بر مسجد و آب‌انبار متصل به درب امامزاده زید متعلق به آقا مهدی خیام‌باشی در بازار تهران به تاریخ ۱۲۲۵ق (دورهٔ حکومت فتحعلی‌شاه قاجار) است که طی سال‌های ۱۲۶۶ق، ۱۲۷۹ق، ۱۲۸۱ق، ۱۳۱۶ق، ۱۳۳۲ق در محضر علمای اعلام، به تأیید علما و بزرگان پایتخت رسیده که نشان می‌دهد موقوفات مزبور طی سالیان گذشته مورد دست‌اندازی واقع و از مسیر وقف خارج شده‌اند. از این‌رو، طی چهار مرحله در سال‌های مختلف مجدداً مورد تأیید قرار گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی به بررسی و معرفی ۳۲ استشهادنامهٔ موجود در آرشیو کتابخانه و موزهٔ ملی ملک پرداخته و نگارش یافته است.

تعریف استشهادنامه

«شهادت» در لغت به معنی حضور و معاینه و اطلاع یا گواهی دادن و در اصطلاح حقوق اسلامی اخبار به حق است به نفع غیر و ضرر دیگری از روی جزم و یقین. مخبر را شاهد نامند که اعم است از شهادت در امور مالی و غیرمالی، در حق‌الله و حق‌الناس. (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۴۱/۲) «استشهادیه» ورقه حاوی گواهی جماعتی از گواهان در پاسخ به پرسش مکتوب فردی است که در جریان امر شناخته‌شده‌ای بودند. از این نوشته با اسامی «شهادت‌نامه»، «استعلام‌نامه»، «استشهادیه»، «استشهادنامچه» و «ورقه استشهاد» نام برده شده است. (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۰۳) معمولاً فردی که سؤال را مطرح می‌کرده از خود نامی نمی‌برده و اغلب تاریخ تحریر را نیز نمی‌نوشته است. نکتهٔ بارز در تمامی استشهادنامه‌ها، سادگی آن‌ها و دوری از هرگونه تزئینات در متن و حواشی است که این دسته از اسناد را از سایر اسناد شرعی متمایز

می‌سازد. یکی از مهم‌ترین وجوه تشابه حداکثری استشهادیه‌ها با دیگر اسناد شرعی همچون مصالحه‌نامه، وقف‌نامه، عقدنامه، مقاطعه‌نامه، مبایعه‌نامه، تمسک‌نامچه، تسعیرنامچه و غیره، وجود مهرها و سجلات متعدد شهود و گواهان است، اما تنها متن این اسناد بازگوکننده تفاوت ماهیتی آن‌ها از یکدیگر است. استشهادنامه‌ها اطلاعات ارزشمندی در خصوص شیوهٔ نگارش و نوع ادبیات سندنویسی، اصطلاحات فقهی حقوقی دورهٔ تاریخی زمان نگارش، نوع مشکل اجتماعی رخ‌داده و مرتبهٔ اجتماعی شهود به دست می‌دهند.

همچون سایر اسناد شرعی، استشهادنامه‌ها دارای ارکانی به شرح زیر می‌باشند. شاهد یا گواه: که اخبار از وقوع امری درگذشته یا حال از مبصرات یا مسموعات دارد. مشهود به: امری که شاهد از وقوع آن درگذشته یا حال خبر می‌دهد. مشهود له: کسی که به نفع او اداء شهادت داده می‌شود. مشهود علیه: کسی که به ضرر او اداء شهادت می‌شود. (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۴۳/۲) در استشهادنامه‌ها، رکن کلام یا موضوع یا «مشهود به» غالباً کوتاه و مختصر و معمولاً فاقد مهر و امضای نویسنده است. موضوع شهادت در این اسناد باید از هر حیث اعم از مشهود به، مشهود علیه و مشهود له، معین و روشن باشد. (زندیه و بلندی، ۱۴۰۰: ۷/۲)



ساختار محتوایی استشهادنامه‌های آرشیو ملک

هر سندی اعم از شرعی و غیرشرعی از ساختاری خاص تبعیت می‌کند، اما استشهادیه‌ها ازجمله اسنادی هستند که همزمان از ساختاری ثابت و متغیر برخوردار بوده و به لحاظ محتوایی دارای تنها دو بخش متن و حاشیه هستند. با توجه به این‌که جامعهٔ آماری پژوهش حاضر استشهادنامه‌های موجود در آرشیو اسناد کتابخانه و موزه ملی ملک است، بنابراین به بررسی این ساختار در اسناد یادشده می‌پردازیم.

تسمیه، تحمیدیه، تصلیه: اسناد شرعی معمولاً دارای تسمیه بوده و به فراخور محتوای سند عنوان تسمیه‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. این اسناد اغلب دارای تحمیدیه و تصلیه می‌باشند که حتی ممکن است شامل چند سطر شود، اما استشهادنامه‌ها از معدود اسنادی هستند که عموماً فاقد این سه مورد بوده و بلافاصله با متن اصلی آغاز می‌شوند. به دلیل ناپایداری عمر، حالت فوریتی و نیز دست‌به‌دست شدن استشهادنامه‌ها، محرران عموماً از ذکر حمد و ستایش خداوند و رسول(ص) پرهیزکرده و بدین‌جهت دیباچهٔ این اسناد تنها دارای عبارتی پیرامون طلب استشهاد از مستشهدین بوده و به‌طورمعمول فاقد اجزای متعارف اسناد شرعی مانند تحمیدیه، تصلیه، عبارت «غرض از نگارش»، بعدیه، کتمم، نسخ همسنگ و غیره هستند. درنتیجه بدون ذکر مقدمه‌ای پروزن و طویل، بلافاصله وارد رکن کلام می‌گردند. (زندیه و بلندی، ۱۴۰۰: ۳/۲) بااین‌حال، در اسناد موردبحث تنها دو مورد تسمیهٔ «هو» در صدر سند وجود دارد (ملک، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۱۳۱؛ ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۵۴) و در باقی آن‌ها هیچ اثری از تسمیه، تحمیدیه و تصلیه مشاهده نمی‌شود.

ذکر صیغهٔ عقد: جملهٔ آغازین اکثر استشهادنامه‌ها عبارتی است سهل و ممتنع که بیانگر نوع عقد بوده و حاوی بیش از یک اصطلاح حقوقی و شرعی نیست. (زندیه، بلندی، ۱۴۰۰: ۴/۲) این عبارات در استشهادنامه‌های آرشیو ملک عبارت‌اند از: «استشهاد و استعلام و استخبار می‌رود» (ملک، ۱۳۹۹، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۵۴، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۱۳۱، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۴۹، ۳۲,۰۰۰۴۹.، ۱۳۹۳,۳۱,۰۲۴۴۷، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۴۸۸)، «استشهاد و استعلام می‌شود» (ملک، ۱۳۹۲/۳۱/۰۰۰۶۲)، «چون ادای شهادت ازجمله لوازم است». (ملک،۱۳۹۶/۳۱/۰۵۰۷۶) در آغاز متن و در سایر اسناد پس از مخاطب قراردادن گواهان بر امر شهادت به‌صورت «شهادت بر ...» (ملک،۱۳۹۹,۳۲,۰۰۱۶۷)، «ادای شهادت نمودند» (ملک،۳۹۴,۳۱,۰۳۷۰۹)، «نشهد»

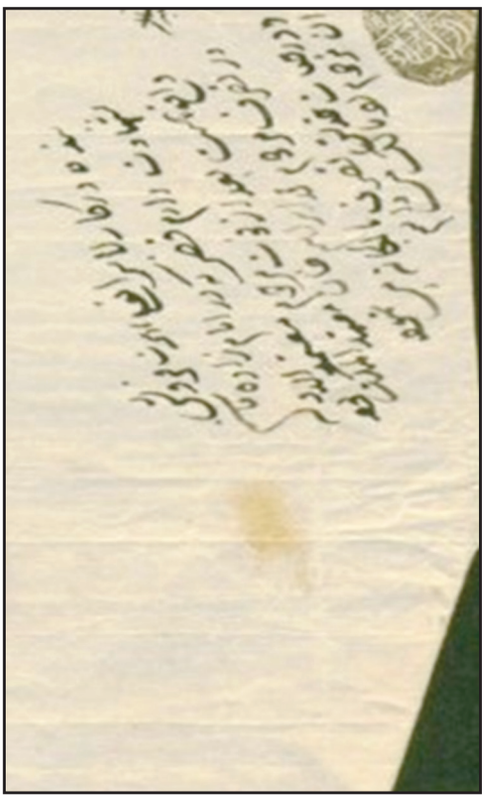
(ملک،۱۳۹۴،۳۱،۰۳۷۰۸)، «استشهاد می‌نماید» (ملک،۱۳۹۳/۳۱/۰۲۳۰۳/۱)، «استشهاداً» (ملک،۱۳۹۳/۳۱/۰۲۳۰۳/۲)، «طلب شهادت می‌نمایم» (ملک، ۱۳۹۵.۳۱.۰۴۴۳۲)، «شهادت قطعی می‌دهیم» (ملک، ۱۳۹۴/۳۱/۰۳۷۰۲)، «شهادت خود را مرقوم نماید» (ملک، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۱) و «این چند کلمه به‌رسم شهادت نامچه قلمی گردید» (ملک، ۱۳۹۶/۳۱/۰۴۹۵۳) در اواسط و اواخر متن سند، آمده‌اند.

غرض از نگارش: محرّر یا منشی در این قسمت از سند قصد و منظور خود از نگارش را بیان می‌کند. این عبارت که غالباً پیش از اظهار صیغهٔ عقد در اسناد ذکر می‌شود، در استشهادنامه‌ها به‌موجب پرهیز از اطناب کلام کاربردی نداشته و عموماً فاقد آن هستند. باوجود این، یکی از استشهادیه‌های آرشیو ملک با جملهٔ «موجب تحریر این چند کلمات شرعیه الدّلالات این است» (ملک، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۹) آغاز گردیده که گویای غرض و نیت محرّر از نگارش سند است.

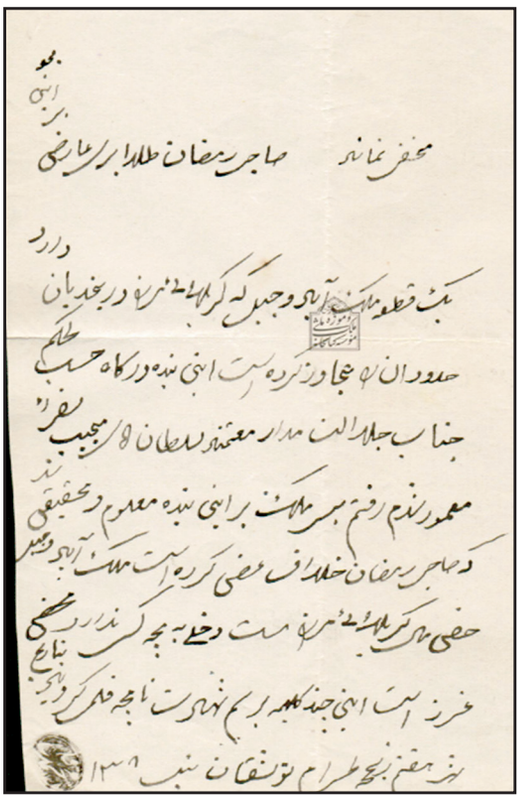
مستشهدین: بعد از بیان صیغه، نوبت به ذکر نام افرادی می‌رسد که برای شهادت فراخوانده شده‌اند. از این اسامی و القاب آنان همچون سادات، اعیان و اشراف، تجار، علما و کدخدایان به‌خوبی می‌توان به مشاغل و خاستگاه اجتماعی مستشهدین در سند آگاهی یافت. این اسامی در استشهادنامه‌های آرشیو ملک به‌صورت «حضور مبارک علمای اعلام و اعیان فخام و تجار و کسبه» (ملک، ۱۳۹۵/۳۱/۰۴۶۶۷)، «حضرات مؤمنین و سادات عظام و تجّار و کسبه» (ملک، ۱۳۹۹/۳۲/۰۰۰۴۹)، «علمای اعلام و فقهای والامقام و سادات» (ملک، ۱۳۹۹/۳۲/۰۰۱۳۱)، «علمای اعلام و فضلای کرام و اعزّه و اعیان و اشراف و تجّار و کسبه» (ملک،۱۳۹۹/۳۲/۰۰۰۵۴)، «حضرات مؤمنین و سادات عظام و تجّار» (ملک، ۱۳۹۹/۳۳/۰۰۱۳۲)، «رؤسا، اشراف، ریش‌سفیدان محلّه» (ملک،۱۳۹۳/۳۱/۰۲۴۴۷)، «کافّة مسلمین و علمای علّام ذوی الیقین و امراء عادل و مروّجین شریعت حضرت سیّدالمرسلین» (ملک،۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۱) و «فضلای عظام و علمای فخام و سادات و صدور کرام و کدخدایان و اهالی گیلان» (ملک، ۱۳۹۶.۳۱.۰۵۰۷۸) در موارد کلی‌تر به‌صورت «از آقایانی که اطلاعات ... دارند» (ملک، ۱۳۹۲.۳۱.۰۰۰۶۲)، «آقایان مالکین» (ملک، ۱۳۹۵.۳۱.۰۴۴۳۲، ۱۳۹۵.۳۱.۰۴۴۴۰)، «آقایان معظّم» و «از حضور محترم آقایان» (ملک، ۱۳۹۳/۳۱/۰۲۳۰۳) ذکر گردیده‌اند. این در حالی است که در سایر مواردی که متن سند فاقد نام کلی یا مشخصی از مستشهدین است، از بخش سجلات می‌توان به نام و طبقه اجتماعی شهود که عموماً شامل تجّار و علما هستند، آگاهی یافت.

تعداد سطر: با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، استشهادنامه‌ها عموماً کم‌سطر و دارای متنی کوتاه با سجلات اندک هستند که شاید این امر ناشی از اهمیت کمتر موضوع موردبحث باشد. به‌عبارت‌دیگر، کمی یا زیادی تعداد سطور یک استشهادنامه می‌تواند ارتباط مستقیمی بااهمیت موضوع آن داشته باشد. در آرشیو ملک چند استشهادیه با متون مطول و یک نمونه به‌صورت طوماری وجود دارد که بخش اعظم آن‌ها را سجلات و مهر شهود تشکیل می‌دهند. در این میان کوتاه‌ترین متن مربوط به سندی ۲ سطری به تاریخ ۱۳۳۲ق (دورهٔ احمدشاه) (ملک، ۱۳۹۳/۳۱/۰۲۳۰۳) و طولانی‌ترین آن سند ۴۵ سطری متعلق به ۱۳۲۳ق (دورهٔ مظفرالدین‌شاه) و مربوط به اختلافات حاج محمدکاظم ملک التجار با علی‌خان امین‌الدوله صدراعظم درخصوص مالکیت بخشی از سرای امیرنظام در بازار تهران است. به غیر از این دو، باقی اسناد دارای سطور متنوع از ۳ الی ۲۶ و مربوط به بازهٔ زمانی قاجار تا پهلوی اول هستند. در این میان دو سند به‌صورت طوماری یکی به‌اندازه ۸۲ سانتیمتر و دیگری ۱ متر و ۴۱ سانتیمتر هستند که بخش اعظم آن‌ها را سجلات شهود تشکیل داده‌اند.

نحوست تربیع: جدا کردن بخش کوچکی از گوشهٔ سمت راست پایین اسناد و یا ایجاد انحراف در اضلاع چهارگوش سند به‌منظور باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع، سنتی کهن در اسناد دورهٔ اسلامی است. کاتبان اسناد تلاش داشتند که متن و کاغذ را از حالت چهارگوش درآورده و تربیع آن را بشکنند، زیرا تربیع در نظر آنان نحس محسوب می‌شد. (زندیه و بلندی، ۱۳۹۴: ۱۵) در دو استشهادنامهٔ آرشیو ملک، تربیع به‌صورت برش در ضلع پایینی سمت راست سند (ملک، ۱۳۹۳/۳۱/۰۲۴۴۷) (تصویر ۱) و ناترازی حاشیهٔ پایینی سمت چپ سند (ملک، ۱۳۹۶/۳۱/۰۴۹۵۳) (تصویر ۲) مشاهده می‌شود.



تصویر ۱: باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع



تصویر ۱: باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع

سجلّات: استشهادنامه‌ها سرشار از سجلّات (گواهی‌ها و مهرها) با نوع نگارش‌ها و مهرهای مختلف و یا «کثیرالاجتهاد» هستند. (زندیه و بلندی، ۱۴۰۰: ۸۳/۲) در استشهادنامه‌های آرشیو ملک با تعداد بسیار مختلفی از سجلّات گواهان مواجهیم به‌طوری‌که از ۱ الی ۱۲۰ سجل را شامل می‌گردند. کمترین تعداد سجلّات مربوط به استشهادنامهٔ تعلق بخشی از مزرعهٔ میانهٔ ماهی‌دشت به عباس سالاروند با یک سجل مربوط به دورهٔ رضاشاه (ملک، ۱۳۹۵.۳۱.۰۴۴۴۰) و بیشترین تعداد آن مربوط به استشهادیهٔ تعلق سه دانگ کاروانسرای امیرنظام (امیرکبیر فعلی) به حاج محمدکاظم ملک‌التّجار (که در اختیار وراث امین‌الملک بود) با ۱۲۰ سجل مربوط به دورهٔ ناصری است. (ملک، ۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۴۹)

خاتمه: خاتمهٔ برخی استشهادنامه‌ها حاوی توصیه و سفارش و گاهی متضمن آرزو یا دعا است. محرّر در این بخش از مستشهدین به اشکال مختلف توصیه، دعا و آرزو درخواست ادای شهادت می‌کند و به آن‌ها اجر کار خیرشان را در دنیا و آخرت یادآوری می‌کند (زندیه و بلندی، ۱۳۹۴: ۹) همچون «عندالله بی‌اجر نخواهد بود» (ملک، ۱۳۹۵/۳۱/۰۴۴۴۰)، «لاتکتمو الشهاده الا بالحق» (ملک، ۱۳۹۴/۳۱/۰۳۴۸۸)، «که در آخرت از جد مشارالیه در عرصات آن حضرت ختمی‌مرتبت خجالت نکشیده و مسئول آن حضرت واقع نشوند.... که عندالله و عندالرسول بی‌اجر نخواهد بود» (ملک، ۱۳۹۲.۳۱.۰۰۰۴۹)، «لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ .... عندالله و عندالرّسول مأجور خواهند بود» (ملک، ۱۳۹۲٫۳۱٫۰۰۰۰۳) و «صاحبان غیرت و ناموس و دین و آیین از ادای شهادت کتمان ننمایند».

تاریخ تحریر: در میان استشهادنامه‌های موجود در آرشیو ملک، تعداد ۲۳ سند دارای تاریخ در ذیل و یا سطر اول سند و مربوط به دوره‌های قاجار و پهلوی اول هستند که به‌جز یک مورد متعلق به دورهٔ پهلوی اول که شمسی است (ملک، ۱۳۹۲/۳۱/۰۰۰۶۲)، در سایر موارد، تاریخ‌ها به قمری و در یک مورد به ترکی-ایغوری «توشقان ئیل» (ملک، ۱۳۹۶/۳۱/۰۴۹۵۳)

هستند. در مواردی که تاریخ در سطر اول ذکر گردیده، معمولاً بعد از جملهٔ «مخفی نماند» (ملک، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۰۷، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۱۵، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۱۲۳، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۱۶۷، ۰۰۱۳۱/۳۲/۱۳۹۹) که سند با آن شروع‌شده، در ادامه تاریخی مشتمل بر روز و ماه و سال حضور در محضر شرع برای پرسش از شهود درج گردیده است. البته در مورد اسناد بدون تاریخ نیز می‌توان از تواریخ مندرج در سجلّات گواهان به تاریخ دقیق و یا حدودی تنظیم این اسناد آگاهی یافت.

دعا: در انتهای برخی از این اسناد جملاتی همچون «والسّلام علی من التّبع الهدی» (ملک، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۵۴، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۹، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۰، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۸)، «والسّلام علی من اتّبع الحق و یهدی السّبیل» (ملک، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۱)، «و ما شهدنا الّا بما علمنا والله علی ما نقول وکیل» (ملک، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۲)، «انّ الله لایضیع اجرالمحسنین» (ملک، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۲، ۱۳۹۴.۳۱.۰۳۴۹۷) و «والسّلام علیکم و رحمت الله» (ملک، ۱۳۹۹,۳۲,۰۰۰۴۹)، «والسّلام علی من التّبع الهدی و نهی بنفس عن الهوی» (ملک، ۱۳۹۲,۳۱,۰۰۰۰۳) نوشته شده است.

نام نویسنده: به‌جز دو مورد مربوط به دورهٔ پهلوی اول، یکی به تاریخ ۱۳۱۶ش به نام عباس سالاروند (ملک، ۱۳۹۵,۳۱,۰۴۴۳۲) و دیگری به تاریخ ۱۳۱۳ ش به نام جلال منوچهری (ملک،۱۳۹۳,۳۱,۰۲۳۰۳)، باقی اسناد موردبحث فاقد نام نویسنده هستند.

نتیجه

استشهادنامه‌های آرشیو ملک مربوط به نقاط مختلف کشور جز مناطق شرقی با موضوعاتی چون ملکی، وقفی، وصول طلب، نزاع و قتل هستند. این اسناد در بخش تسمیه و دیباچه (بیان صیغهٔ استشهاد و شیوهٔ درخواست از شهود به‌صورت خبری یا پرسشی) و ادبیات نگارش و شیوهٔ درج تاریخ باهم تفاوت دارند. در این اسناد اظهار صیغهٔ عقد و ادبیات نگارش آن بنا به سلیقهٔ محرّر در آغاز و یا در اواسط متن سند به‌صورت عباراتی چون «استشهاد و استعلام و استخبار می‌رود»، «استشهاداً»، «نشهد» «شهادت می‌رود» و غیره آمده است. بعد از ایراد صیغه عقد یا جمله استشهاد، افرادی آگاه و مطلع از چگونگی رویداد، شهادت خود را در صدر و عموماً حاشیه سند با دستخط و مهر خود ثبت و ضبط کرده‌اند. نقطهٔ مشترک اکثر این اسناد، وجود حاشیه‌نویسی‌های فراوان و عدم وجود هرگونه تزئینات است.

بازخوانی استشهادیهٔ وقف چند دهنه دکان بر مسجد و آب‌انبار امامزاده زید در بازار تهران

مشهود به: چهار دکان وقفی
مشهود له: آقا مهدی خیّام‌باشی
مشهود علیه: حاج محمدکاظم ملک‌التجار
شاهدان: ۱۱ تن از علما و رجال تهران
توصیف سند: طوماری، دارای مهر وصل با سجع: «ابن عبدالکریم محمّدحسین الشریف ۱۳۱۶»
جنس: کاغذ ماشینی
اندازه: ۴۱×۱۲۴ سانتی‌متر
شماره ثبت: ۱۳۹۲,۳۱,۰۰۰۰۳

[متن سند]

سواد استشهاد از علماء قدیم دارالخلافه طهران/

/طلب شهادت و حکم و گواهی و استفاده علم و آگاهی می‌رود از کافّه علماء و مجتهدین و عامّه

اعیان و مقدّسین که هر که خبیر است که دکاکین موقوفه مرحوم آقا مهدی/ چادردوز بر مسجد و آب‌انبار متّصل به درب امامزاده زید متولّی خاص و مصرف مخصوص دارد به قرارداد واقف و مجهول نیست و حال اختیار منافع و تولیت آن‌ها/ مفوّض شده به این احقر خدّام شریعت مطهّره به نحو اجاره شرعیّه از متولّی شرعی و تفویض او تولیت مخصوصه را به ولایت عامّه و وکالت مطلقه مرحوم استاد المجتهدین/ شیخ محمّدحسن نجفی -طاب‌ثراه- و صدور این عمل شرعی در محضر مرحمت مآب آقا میرزا ابوالقاسم امام‌جمعه (بامداد، ۱۳۶۷: ۵۵/۱) دارالخلافه -طیّب‌الله مضجعه- و امضای جمعی از مجتهدین/ -زادالله قدرهم- حیّاً و میّتاً و متصرّف بودن احقر آن‌ها را به نحو شرعی سابقاً و حال و خراب نمودن عالیجاه ملک‌التّجار آن‌ها را به جور و ظلم و غصب کردن آن‌ها را/ و به مصرف رسانیدن او و رسیدگی جمعی از علماء و مجتهدین و نوشته ایشان بر حقّیت احقر با فرمان مهر لمعان و دستخط همایون اعلی اقدس قدر قدرت/ شاهنشاه[1] اسلامیان پناه لازالت جباه السلاطین به بابه معفره و رسیدگی جماعتی از ارکان دولت جاوید عدّت که متصّدی امور عامه می‌باشند/ و با این همه مراتب مسطوره حال عالیجاه ملک‌التّجار به اغوی و اعانت بعضی از ارباب غرض که الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ[2] مستدعی مرافعه شده که امر وقف را/ معطّل بدارد و احکام علماء و مجتهدین را به لطائف الحیل معوّق نماید و حال آن که در این صورت مرافعه در این امر به این واضحی جایز نیست که موجب تعطیل/ احکام مجتهدین فخام و امر وقف است بلکه حال خلاف تکلیف و فعل حرام است نظر به مفاد وافی نهاد لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ[3] دو کلمه/ شهادت خود را به خط شریف مرقوم و به مهر منیف مختوم و مزیّن فرمایند که عندالله و عندالرّسول مأجور خواهند بود والسّلام علی من التّبع الهدی و نهی بنفس عن الهوی.

[سواد گواهی علما:]

۱. بسم الله تعالی شأنه و الحمدلله والصّلوة علی محمّدٍ و علیٍ و آلهما. بلی اختیار منافع و تولیت/ دکاکین موقوفه مستشهده شرعاً مفوّض است به جناب قدوه العلماء و عمدة الفقهاء فخرالمحقّقین/ و المدقّقین و زین المجتهدین جناب آقا شیخ علی‌اصغر بروجردی- سلّمه الله- که به مصارف/ مقرّره وقف برسانند و سابقاً در تصرّف ایشان بوده چنانچه حال هم هست و تصرّف/ غیر ایشان در آنها غصب و عدوان است و از عهده باید برآید و این امر محل شبهه/ و مرافعه نیست و انکار این مراتب از اغراض فاسده نفسانیه است و ما کتبنا الّا ما علّمناه/ حرّره المفتاق الی غفران ربّه الرّحمن قاسم ابن سعید المنسوب الی الجیلان. محل مهر مرحوم آخوند ملّا قاسم رشتی/ مقیم دارالخلافه طهران (عبده ابوالقاسم)، محل مهر پسر آن مرحوم آقا شیخ محمّدحسین (عبده حسین ابن قاسم).

۲. هو موافق حکم مطاع لازم الاتباع صدرنشین اریکه جنان خلد آشیان/ مبرور مغفور مرحوم آقا -اعلی الله مقامه- و تصرّف جناب زبدة العلماء و نخبه/ الفقهاء آقا شیخ علی‌اصغر -سلّمه الله-

---

۱. منظور ناصرالدین‌شاه قاجار است.

۲. بخشی از آیه ۱۲۵ سوره توبه: کسانی که در دل‌هایشان بیماری است.

۳. بخشی از آیه ۲۸۳ سوره بقره: شهادت را کتمان مکنید و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است.

در موقوفه مسطوره به اذن و اجازه آن بزرگوار/ اختیار و تولیت دکّان‌های معیّنه الان با ایشان است و مخالفت حرام و مخالف قرارداد شارع مقدّس خداوند به باطن اجداد طاهرین صَلوات/ الله علیهم اَجمعین توفیق اطاعت و انقیاد شریعت مطهّره به همه کرامت فرماید/ و از هواهای نفسانی محفوظ بدارد. کتب الدّاعی فی شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۱/ به املاء و مسوّده داعی مرقوم شده بیان واقع است و تماماً صحیح است. محل مهر/ مرحوم طوبی مکان آقا میرزا مرتضی صدرالعلماء (عبده سیّد مرتضی ابن محمّدمحسن الحسن الحسینی).

۳. بسم الله الرّحمن الرّحیم به موجب حکم محکم مرحوم علیّین مقام فردوس آشیان امام جمعه و اذن شیخ الکل/ فی الکل شیخ محمّدحسن -رفع قدره و طاب مضجعه- امر دکاکین مسطوره مفوّض است به جناب/ شیخ مسطور -سلّمه الله تعالی و وفقه- بوده و می‌باشد و تغییر این‌گونه امور باعث تغییر دین و/ بی‌اعتنایی به شریعت سیّدالمرسلین(ص) است اعاذنا الله تعالی منه والسّلام. محل مهر مرحوم/ خلد آشیان آقا سیّد حسن استرآبادی (عبده حسن ابن نصرالله الحسینی).

۴. هو الله بسم الله الرّحمن الرّحیم بلی از قرار حکم مرحوم علّیین مکان میرزا ابوالقاسم امام جمعه -اعلی الله مقامه-/ و تفویض و اذن مرحوم جنّت مکان فردوس آشیان شیخ محمّدحسن نجفی/ -رفع الله درجاته- و تصرّف سابق جناب مستطاب افادت مآب/ عمدة الفقهاء الاطیاب مطاعی آقا شیخ علی‌اصغر بروجردی -سلمه الله تعالی- باید تصرّف در دکاکین مزبوره به اذن و رضای جناب ایشان باشد/ و بدون رضای ایشان تصرّف غیر در آنها غصب و عدوان است/ حرّره، محل مهر مرحوم فردوس مقام حاجی سیّدحسین کاشانی -اعلی الله مقامه- (افوّض امری الی الله عبده سیّدحسین الحسینی)

۵. بسم الله تعالی نظر به تصرّف سابق بر تعمیر بازار و نوشته‌جات معتبره از علماء اخیار املاک موقوفه/ مسطوره باید در ید جناب مستطاب علّام فهّام نخبة الفقهاء و زبدة المجتهدین جناب/ آقا شیخ علی‌اصغر -سلّمه الله تعالی- بوده باشد قطع نظر از این که امثال ایشان بلا بیّنه/ مسموع القول و مقبول الکلمه می‌باشند سند ملک با وجود بیّنه داخله و خارجه مزاحمت/ ایشان در امثال این امورات خلاف انصاف است بلکه خلاف شرع است/ محل مهر مرحوم جنّت مکان حاج شیخ محمّد طهرانی والد مرحوم شیخ جعفر سلطان العلماءامام/ و متولّی مسجد جامع دارالخلافه طهران (عبده محمّد ابن جعفر ابن محمّد).

۶. بسم الله خیرالاسماء نعم ما سطر فی الکتاب المستطاب مقرون بالصدق و الصواب/ بلا ریب و ارتیاب به موجب نوشته‌جات معتبره ملحوظه/ و اطّلاع تامّه و مسموعات شفاهی از مرحوم حاج سیّدعلی متولّی/ امامزاده لازم‌التعظیم و التکریم شهیر به امامزاده زید تولیت موقوفه- مزبوره با جناب مستطاب شریعت‌مآب شیخ علی‌اصغر -زیّد فضله و دام/ توفیقاته- بوده و می‌باشد علی قانون الشریعة النّبویه و الملة البیضاء/ المطّهره المصطفویه(ص) بدون اذن واجازه جناب معظّم/ الیه هرگاه احدی تصرّف نماید قطعاً خلاف شریعت غرّا بر موجب/ سخط الهی خواهد بود بل ید غصب و عدوان است و محل ترافع هم/ نیست و این امور محل شبهه نمی‌باشد. والسّلام علی من التّبع الهدی/ و ما شهدنا الّا علمنا. تاریخ خامس عشر ربیع‌الاولی فراغ، محل مهر مرحوم جنّت مکان حاجی شیخ محمّدحسین خراسانی الشهیر به معلّم (المتوکّل علی الله العبد شیخ حسین)

۷. بسم الله خیرالاسماء نظر به تصرّف سابق بر تعمیر بازار و نوشته‌جات معتبره از علماء عظام املاک موقوفه/ مسطوره باید در ید جناب مستطاب زبدة العلماء الکاملین و مفخر المجتهدین مولی الامجد آقا شیخ/ علی‌اصغر -صانه الله- بوده (غیر مقرّر) بلاشبهه و بلا خلاف است و مزاحمت ایشان/ در امثال این امورات خلاف انصاف بلکه خلاف شرع انور است/ و تصرّف غیر بی اذن آن جناب ید عدوان و غصب است و این واقعه محل شبهه/ و مرافعه و معارضه نیست. محل مهر مرحوم خلد آشیان آخوند ملّا عباسعلی استرآبادی (عبده عباسعلی).

۸. هو الله تعالی شهادت بنده درگاه به این طور است که مرحوم آقا مهدی چادردوز دکاکین مرقومه/ متن را وقف بر مسجد و آب‌انبار در امامزاده زید نموده بود و تولیت و اختیار/ منافع موقوفه مرقومه به جناب قدّوسی نصاب علّامة العلماء مجتهدالزّمانی آقایی/ شیخ علی‌اصغر -سلّمه الله تعالی- بروجردی الاصل طهرانی المسکن واگذار و مفوّض شده چنانچه/ بر صحّت و صدق این عمل احکام مطاعه جناب شیخ المجتهدین و قدوة المحقّقین/ شیخ محمّدحسن نجفی صاحب جواهرالکلام و آقای خلد آشیان اعنی آقا میرزا ابوالقاسم/ مجتهد و امام جمعه و جماعت طهران -طیّب الله مضجعهما و نوّرالله مرقدهما- و سایر/ علمای اعلام برهانی هستند واضح و لایح که محل شبهه و تردیدی نبوده و نیست که مرقوم/ فرموده‌اند و باید در تصرّف جناب معظّم بوده باشد و سابقاً در دست ایشان بوده/ و هر کس بی‌اذن و اجازه ایشان تصرّف نماید ید غصب است و این موقوفه معلومه است/ و مجهول المصرف و المتولّی نبوده و نیست بر فرض این شبهه مجهول بودن دکاکین جناب/ شیخ -سلّمه الله تعالی- تصرّف به ولایت عمامّه از جانب مرحوم شیخ محمّدحسن و اجتهاد خودش/ و تفویض آقای مرحوم تصرّف داشته و دارد و این عمل محل شبهه و شک نیست/ و خلاف ندارد. محل مهر مرحوم میرزا بابا (میرزا بابا) (هدایت، ۱۳۴۴: ۴۳۶) و میرزا محمّدعلی (محمّدعلی).

۹. بلی مراتب مسطوره به اعلی درجه ظهور و صدق محض است و اختیار منافع/ و تولیت موقوفه مزبوره با جناب مستطاب شریعت‌مآب مستشهد -سلّمه الله- بوده/ و می‌باشد و در تصرّف ایشان نیز بوده و ید غیر غصب و عدوان است/ محل مهر مرحوم آقا شیخ احمد خلف مرحوم حاجی شیخ محمّدحسین خراسانی معلّم (شیخ احمد بن شیخ حسین)

۱۰. این فقره بدیهی است که دکاکین مرقومه را مرحوم خیّام‌باشی وقف/ مسجد و آب‌انبار که در جوار امامزاده زید است نموده بر حسب احکام/ شرعی که جناب شیخ -سلّمه الله- در دست دارند وجه اجاره دکاکین را/ به وقفیّت عمل کنند هر کس غیر واقف و متولّی شرعی تصرّف کرده است بر خود و بر واقف و متولّی هر سه ظلم کرده است خداوند همه را هدایت کند/ ان‌شاءالله. محل مهر مرحوم حاجی محمّدقلی‌خان آصف‌الدوله (بامداد، ۱۳۶۷: ۴۶۷/۳) (عبده الرّاجی محمّدقلی)

۱۱. هو بنده درگاه آن‌چه شهادت دارم آن است که مکرّر در آن مسجد نماز جماعت را/ در خدمت جناب مجتهد زمانی سرکار شیخ -سلّمه الله تعالی- خواندیم و دکاکین/ مرقومه هم در تصرّف ایشان مرحوم حاجی سیّدعلی متولّی داده/ بودند به علاوه امضای آقایان مرحوم خلد آشیان مجتهدین/ تصرّف غیر غصب و عدوان است. محل مهر مرحوم نوّاب والا/ شاهزاده سبکتکین میرزا (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۴۶) (سبکتکین).

[گواهی اصلی حاشیه راست:]

بسم الله الرّحمن الرّحیم/

این سواد حرفاً به حرف مطابق و موافق است با اصل اصلیّین معتبرین و موشّحین به خطوط شریفه و طبع خواتیم منیفه اعلام/ و مجتهدین و حج الاسلام و المسلمین و ارباب الله علی الخلایق اجمعین منهم الواصلین الی جوار رحمة الله الملک المنّان و اسکنهم الله فی فرادیس الجنان/ آقای آقا میرزا ابوالقاسم امام جمعه سابق طهران و مبرور آقای آقا میرزا مرتضی صدرالعلماء و خلد مقام آقای حاجی سیّد حسین مجتهد کاشانی و آقای حاجی/ شیخ محمّد امام جماعت مسجد جامع طهران و آقای حاجی سیّد حسین مدرس استرآبادی و آقای حاجی شیخ محمّدحسین خراسانی شهیر به معلّم پسر آن مرحوم آقای/ آقا شیخ احمد و آقای حاجی ملّا قاسم مجتهد رشت و پسر آن مرحوم ملّا محمّدحسین و غیرهم -اعلی الله مقامهم و رفع فی عالم القدسی مکانتهم- که یک ورقه/ از آن چند را مزین به دستخط مبارک حضرت خلد مقام امام علیه‌السّلام است می‌باشد به خط مرحوم جنّت مکان والدی الاحقر -طابت تربة-/ و مصدّق و ممضی به امضاء حضرت حجّة الاسلام آقای حاجی سیّد محمّد امام جمعه طهران -متع الله بطول بقائه- و مرحومین مبرورین مزبورین/ آقای آقا میرزا محمّدجعفر صدرالعلماء و آقای آقا میرزا محسن -جزاهما الله عن المسلمین خیرالجزء- است که تصدیق صحّت حکم مطاع و لزوم اتباع آن را به خط احقر/ مرقوم و مختوم داشته‌اند و دیگر خط و طبع خاتم مرحوم حاجی محمّدقلی‌خان آصف‌الدوله و میرزا بابا شهیر به شیخ است که کاملاً معرفت تامّه/ داشته و دارم و از ابتدای سن که در حدود موقوفه سکونت داشته محل مزبور را معروف به وقفیت و مشهور در السنه و افواه/ عموم سکنه بازار و محله می‌شنیدم و شبهه در وقفیّت نبود هذا ما عندی والله علی ما اقول شهد فی ۳ شهر محرّم الحرام ۱۳۴۵/ [مهر بیضی:] عبدالکریم ابن محمّدحسین الشریف ۱۳۱۶.

[حاشیه چپ به موازی دستخط، مهر بیضی:] عبدالکریم ابن محمّدحسین الشریف ۱۳۱۶.

سواد حکم مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم امام جمعه بزرگ طهران/

از قرار ملاحظه یک طغرا وقف‌نامچه معتبره جداگانه و قرائن خارجه و تحقیقات لازمه و علامات منضمّه دالّه بر این خادم اخبار ائمه اطهار/ محقّق و معلوم شد که در غرّه شهر ربیع المولود سنه ۱۲۲۵ مرحمت پناه آقا مهدی خیّام‌باشی طهرانی تمامت چهار باب دکّان معلوم مشخّص ملکی متصرّفی خود را که واقع است/ در محلّه بازار درب امامزاده زید محدود به حدود اربعه ذیل:

حدّی به مسجد حدّی متصل به بآب‌انبار حدّی متصل به شارع بازار حدّی به شارع

را در حضور علماء اعلام و فضلای ذوالعزّ و الاحترام دارالخلافه طهران وقف/ صحیح شرعی و حبس مخلّد ملّی نموده که منافع حاصله آن را نصف صرف تعمیر آب‌انبار با همان مسجد متّصله به دکاکین مزبوره و نصف دیگر منافع/ مخصوص متولّی بوده و تولیت در آن زمان با مرحوم آقا سیّد حسین خلف مرحوم آقا سیّد حیدر قرار داده و بعد به اولاد ارشد ذکور متولّی نسلاً بعد/ نسل و با انقراض اولاد ارشد با مجتهد آن زمان که جامع الشرایط بوده لهذا موافق قرارداد واقف باید عمل شود و تخلّف ننمایند. فی ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۶. محل مهر مرحوم حجه الاسلام

آقای ابوالقاسم امام‌جمعه قدیم طهران (عبده ابوالقاسم بن محمّدمحسن الحسنی الحسینی).

[سجلّات صدر سند]

۱. بسم الله تعالی شأنه این حکم محکم از مصدر شرع انور و محضر خلد آشیان و رضوان مکان المستغرق/ فی بحار رحمت الله الرّحمن -اعلی الله مقامه و نوّر الله مرقده- صادر شده و به خط شریف و خاتم منیف/ آن بزرگوار است لازم است اطاعت و انقیاد و بر اولیای دولت علیه واجب است اتباع/ خاصّه در این مورد که جناب زبدة الفقهاء و قدوة العلماء شیخ- سلّمه الله- شایسته و سزاوار همه/ نحو مداخله می‌باشد چنانچه مرحوم مغفور مبرور آقا حشره الله مع اجداده الطّاهرین امور شرعیّه/ کلیّتاً[1] به ایشان محوّل و رجوع می‌فرمودند نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات[2] اعمالنا کتب الدّاعی/ فی التّاسع و العشرین من شهر شوّال المکرّم ۱۲۷۹. محل مهر مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا مرتضی صدرالعلماء (بامداد، ۱۳۶۷: ۵۵/۱) (عبده سیّد مرتضی بن محمّدمحسن الحسنی الحسینی).

۲./کیفیت از قراری است که در متن مرقوم است/ از این قرار متولّی به اطّلاع جناب غنی الاجابت/ مخدوم مکرّم آقا شیخ علی‌اصغر (نیربروجردی، ۱۲۷۵: ۱۷۶) رفتار نمایند./ محل مهر مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم امام‌جمعه طهران/ (عبده ابوالقاسم بن محمّدمحسن الحسنی الحسینی).

۳. این حکم مطاع و امر لازم الاتباع صادر از مقام محترم حضرت خلد مقام حضرت حجه الاسلام آقای امام بزرگ- اعلی الله مقامه الشریف- / و موشّح است صدر آن به دست‌خط مبارک و دو طبع خاتم آن بزرگوار و دستخط و طبع خاتم شریفین حضرت خلد مکین/ رئیس الاسلام آقای صدرالعلماء -رفع الله درجه- و متن به خط آقا میرزا عبدالکریم محرّر -غفرالله- و در کمال صحّت و نهایت اعتبار است/ و لازم است بر طبق آن عمل شود. تخلّف نشود. شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۲، صحیح است. حرّره الاقلّ، محل مهر مرحوم آقا میرزا جعفر صدرالعلماء (بامداد، ۱۳۶۷: ۲۶۱/۱) (عبده الرّاجی محمّدجعفر ابن محمّدباقر الحسنی الحسینی).

۴. الاحقر محمّد بن زین‌العابدین الحسنی الحسینی، محل مهر حجه الاسلام آقای حاج سیّد محمّد امام جمعه (عبده سیّد محمّد بن زین العابدین الحسنی الحسینی).

۵. الاحقر الافقر محسن الحسنی الحسینی، محل مهر مرحوم مغفور آقامیرزا محسن (همان: ۶/۴)-طاب‌ثراه- (الرّاجی محسن ابن محمّدباقر الحسنی الحسینی).

---

۱. اصل: کلیةً

۲. اصل: سیأت

فهرست و مشخصات استشهادنامه‌های آرشیو ملک به ترتیب تاریخی

ردیف	موضوع سند	تاریخ سند	تعداد سطر	تعداد شهود	ابعاد به سانتیمتر	شماره سند
۱	سواد استشهاد علمای قدیم تهران دربارهٔ وقف چهار باب دکان در محله بازار تهران توسط مهدی خیام‌باشی	۱۲۶۶-۱۳۴۲ق (دورهٔ محمدشاه و احمدشاه)	۲۲	۱۶	۱/۲۴×۴۱ طوماری	۱۳۹۲.۳۱.۰۰۰۰۳
۲	استشهادنامهٔ مالکیت قطعه زمینی در قریه بابوکان به حاج حیدر علی سیدانی	۲۴ صفر ۱۲۸۵ق (دورهٔ ناصری)	۷	۷	۲۷×۲۲/۵	۱۳۹۳.۳۱.۰۲۴۰۸
۳	استشهادیهٔ تأیید مالکیت قصر امامزاده قاسم به محمدابراهیم خان جوانشیر	جمادی‌الثانی ۱۲۹۰ق (دورهٔ ناصری)	۶	۱۰	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۰۴۹
۴	استشهادیهٔ طلبکار بودن ملک‌التجار از مرحوم پاشاخان امین‌الملک	۱۲۹۲ق (دورهٔ ناصری)	۱۴	۵۰	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۰۱۵
۵	استشهادیهٔ تعلق سه دانگ کاروانسرای امیر به ملک‌التجار که در دست وراث امین الملک است	۱۷ رجب ۱۲۹۵ (دورهٔ ناصری)	۲۶	۱۲۰	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۰۰۷
۶	استشهادیهٔ مصالحه شش‌دانگ کاروانسرای امیر میان آقا محمدمهدی ملک‌التجار با حاج محمدکاظم و عدم حقانیت ورثه امین‌الملک در مالکیت بخشی از آن	۱۸ رجب ۱۲۹۵ (دورهٔ ناصری)	۲۶	۱۲۰	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۲۳
۷	استشهادیهٔ جمعی از تجار و رجال تهران به مالکیت کامل ملک‌التجار نسبت به سرای امیر و عدم مالکیت نیم دانگ به ورثه امین الملک	۱۸ رجب ۱۲۹۵ (دورهٔ ناصری)	۱۹	۱۲۰	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۴۹
۸	استشهادنامه وضعیت قنات حاجی میرزا هاشم در تبریز و تصرفات برخی از اهالی روستای باسمنج در حریم این قنات	۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۴ق (دورهٔ ناصری)	–	–	۳۶۶/۶×۲۱/	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۳
۹	استشهادنامهٔ رسیدگی به اختلاف ملکی کربلایی رمضان در مورد ملکی در نجدیان و مالکیت رمضان بر آن	۷ ذیحجه ۱۳۰۸ (دورهٔ ناصری)	۹	۰	۲۲۷×۱۲/	۱۳۹۶.۳۱.۰۴۹۵۳
۱۰	استشهادنامهٔ عدم حق مالکیت باغات هادی خان سرهنگ از نهر طبران در قریهٔ بیدآباد اصفهان	۱ محرم ۱۳۰۹ق (دورهٔ ناصری)	۷	۶	۲۱/۵×۳۵/۳	۱۳۹۳.۳۱.۰۲۴۴۷
۱۱	استشهادنامهٔ تخریب خانهٔ سید حیدر بربری در نصرآباد جام و عدم تصرف اموالش توسط نوکران حاج حسین ملک	۱۳۲۰ق (دورهٔ مظفری)	۷	۳۰	۳۵×۲۲	۱۳۹۲.۳۱.۰۰۰۴۹
۱۲	استشهادنامهٔ تصرف جبری شش سهم مزرعهٔ نعمان متعلق به سید حیدر و سید احمد توسط فتح‌الله پاکروان	۱۸ شعبان ۱۳۲۲ق (دورهٔ مظفری)	۹	۱۹	۳۵/۷×۲۷	۱۳۹۲.۳۱.۰۰۰۶۲
۱۳	استشهادیهٔ تعلق شش‌دانگ کاروانسرای امیرنظام به حاج محمدکاظم ملک‌التجار و تصرف عدوانی سه دانگ آن توسط امین‌الدوله	صفر ۱۳۲۳ق (دورهٔ مظفری)	۴۵	۳۳	طوماری	بی شماره
۱۴	استشهادنامهٔ قتل قوام‌الملک در شیراز	۱۳۲۶ق (دورهٔ محمدعلی شاه)	۴	۹۷	۱/۳۵×۴۳	۱۳۹۵.۳۱.۰۴۶۶۷

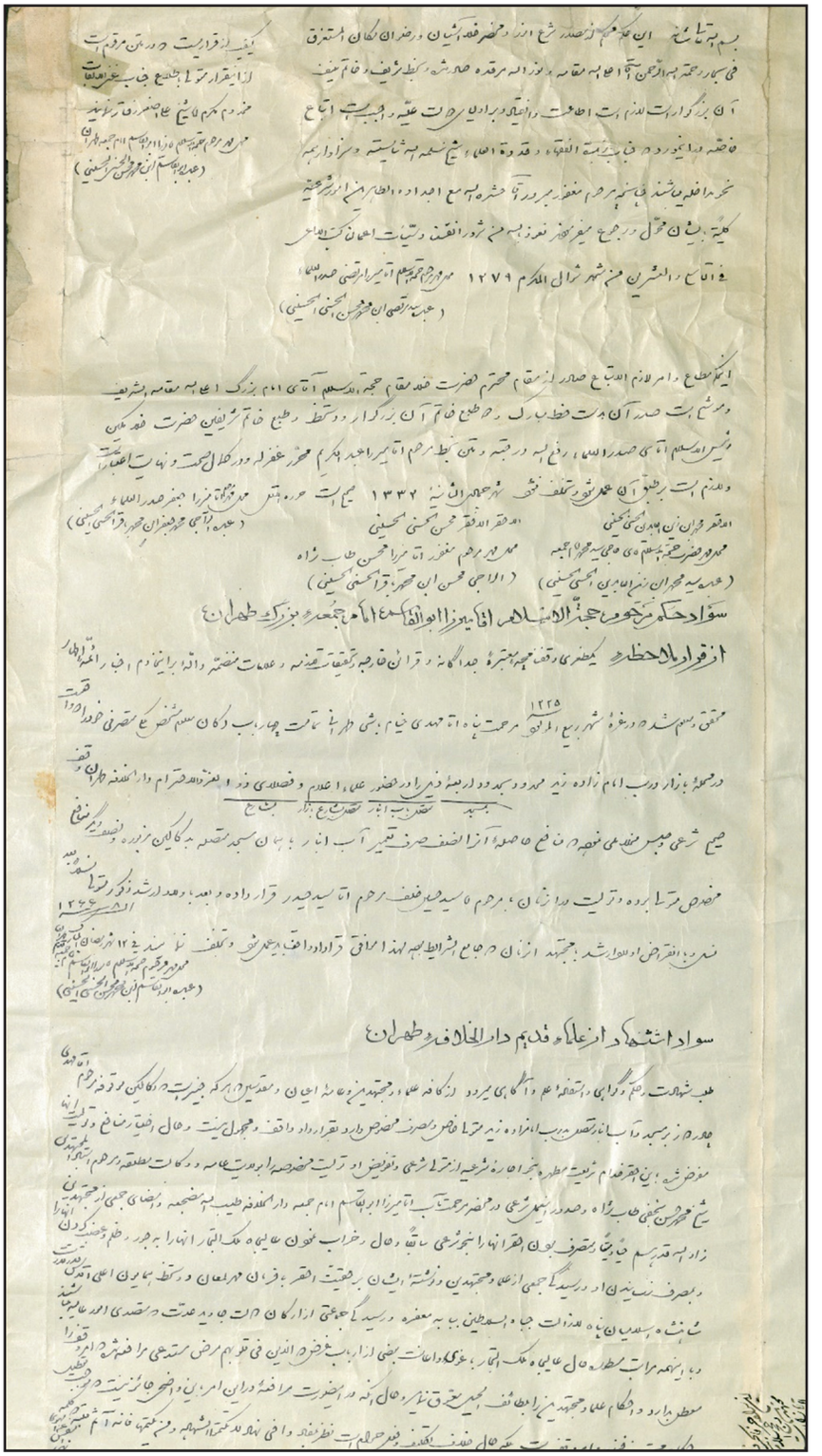
۱۵	استشهادنامهٔ مالکیت خانهٔ جوباره به عبدالرحیم مؤتمن الحکماء (دو برگ)	۱۳ محرم ۱۳۳۲ق (دورهٔ احمدشاه)	۳ ۲	۱۳ ۸	۳۴×۲۰/۸	۱۳۹۳.۳۱.۰۲۳۰۳
۱۶	استشهادیهٔ جمعی از علما و کسبهٔ تهران در تأیید مالکیت اراضی و دکاکین جنب دروازهٔ قزوین تهران به ملک‌التجار	محرم ۱۳۳۲ق (دورهٔ احمدشاه)	۱۰	۹	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۸۰
۱۷	استشهادیه تأیید رسیدن ارث میرزا محمدعلی‌خان به دخترش فاطمه خانم	۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۲ق (دورهٔ احمدشاه)	۲۰	۳۳	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۹۵
۱۸	استشهادنامهٔ عدم آگاهی از رسیدن ماترک احمد ایلخانی و ام‌کلثوم زوجه‌اش به ورثه	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۸	۷	۳۵/۵×۲۲/۲	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۲
۱۹	استشهادنامهٔ مبایعهٔ اجباری دو دانگ ملکی بین ابراهیم آقا و مفتی و شرعی نبودن آن	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۷	۲۶	۲۶/۷×۲۰/۲	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۸
۲۰	استشهادنامهٔ اشتراکی بودن ملکی در قریهٔ قمقلعه بین وراث خضر آقا، محمدآقا و کا ملاآقا	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۷	۷	۲۸/۸×۲۱	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۰۹
۲۱	استشهادنامهٔ عدم انتقال قباله یک‌دانگ و دو سهم چهاردیوار و باش بولاق از ابراهیم آقا به مفتی	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۶	۲۷	۲۵/۷×۱۹/۶	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۰
۲۲	استشهادنامهٔ واگذاری چند قریه توسط طوماس‌بیک به عزت‌الله خان و سیف‌الدین خان	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۱۳	۱۵	۴۳/۱×۳۰/۹	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۷۱۱
۲۳	استشهادنامهٔ مزارعی چند واقع در بلوک خواجه فارسبی	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	–	–	۴۳/۵×۳۴/۴	۱۳۹۵.۳۱.۰۴۶۸۳
۲۴	استشهادنامهٔ علما و فضلای گیلان پیرامون مالکیت نعیم نمکی در گیلان و معافیت از سرشماری رعیتی و تکالیف دیوانی	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۷	۲	۳۳/۴×۲۱/۱	۱۳۹۶.۳۱.۰۵۰۷۸
۲۵	استشهادنامهٔ اهالی روستاهای جام در مورد نزاع ابدال‌آباد و حملهٔ طایفه بربری به روستاها و ضرب و شتم آن‌ها و کشته شدن یک نفر	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	–	–	۴۴/۳×۳۵/۳	۱۳۹۲.۳۱.۰۱۹۵۶
۲۶	سواد استشهادنامهٔ جاری نشدن صیغهٔ عقد ازدواج دختر آقا میرغفار و برهم خوردن مراسم	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	–	–	۲۷/۳×۲۱/۵	۱۳۹۸.۳۱.۰۵۷۵۶
۲۷	استشهادیهٔ تخریب چند دکه برای پهن کردن کوچه متصل به مسجد و مرده‌شورخانه متصل به امامزاده زید	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۱۴	۶	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۰۵۴
۲۸	استشهادیهٔ مصالحهٔ اجباری کاروانسرای امیر میان مهدی ملک‌التجار با عبدالحسین طهرانی	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۷	۵	–	۱۳۹۹.۳۳.۰۰۱۳۱
۲۹	رونوشت استشهاد پیرامون مصالحه بین استاد محمدرضا و استاد علی پیرامون بلندتر ننمودن ارتفاع دیوار خانه استاد علی	بدون تاریخ (دورهٔ قاجار)	۷	–	۲۰/۶×۱۰/۱	۱۳۹۴.۳۱.۰۳۴۸۸
۳۰	استشهادنامهٔ تعلق بخشی از مزرعهٔ میانه ماهی‌دشت به عباس سالاروند	۸ شوال ۱۳۵۳ق (دورهٔ پهلوی اول)	۷	۱	۲۵/۹ × ۲۰	۱۳۹۵.۳۱.۰۴۶۵۸
۳۱	استشهادنامهٔ تملک بخشی از اراضی مزرعه سیاهکل	۳ دی ۱۳۱۳ق (دورهٔ پهلوی اول)	۶	۴	۲۶ ×۱۹	۱۳۹۵.۳۱.۰۴۴۳۲
۳۲	استشهادنامهٔ مالکیت یک باب خانه در بهبهان به فرزندان محمدحسن، محمدابراهیم و محمد اسماعیل	۲۹ بهمن ۱۳۱۴ق (دورهٔ پهلوی اول)	۵	۵	۴۱/۶×۳۴/۹	۱۳۹۵.۳۱.۰۴۶۵۸

منابع

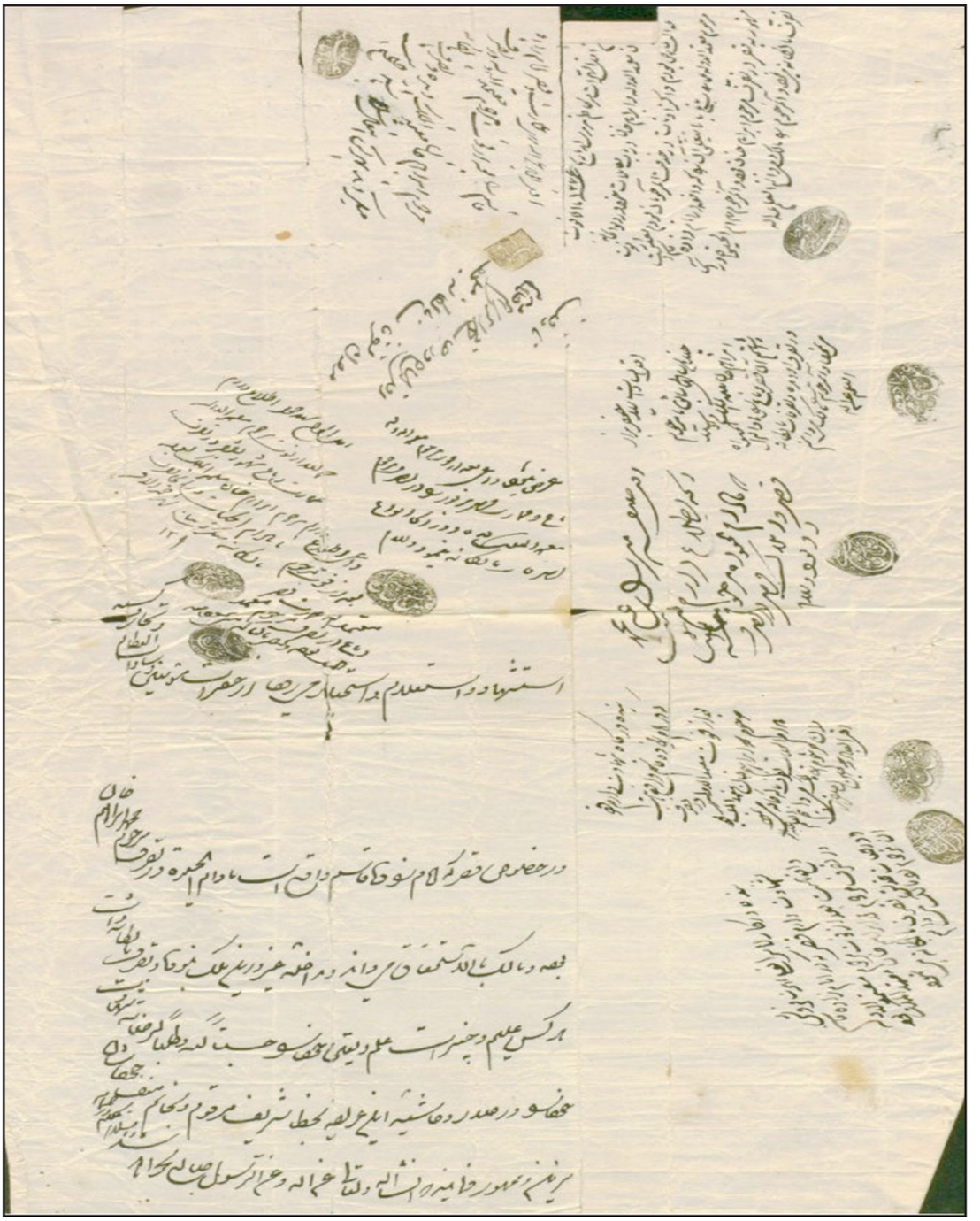
- اسلامی، ابراهیم. (۱۳۷۳). ***صاحب جواهر (فقیه جاودانه)***. بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا. (۱۳۷۰). ***اکسیرالتواریخ***. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: ویسمن.
- بامداد، مهدی. (۱۳۶۳). ***شرح رجال ایران در قرن ۱۱، ۱۲ و ۱۳ هجری***. تهران: زوار.
- رضایی، امید. (۱۳۹۰). ***درآمدی بر اسناد شرعی***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زندیه، حسن؛ بلندی، مریم. (۱۴۰۰). ***استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی (بررسی شکلی و محتوایی)***. ج.۲، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زندیه، حسن؛ بلندی، مریم. (۱۳۹۴). «راهکارهای شناخت استشهادنامه». ***مطالعات تاریخی جهان اسلام***. (شماره ۶).
- ناصری، محمد. (۱۳۸۴). ***مبانی فقهی حقوق مدنی ایران***. قم: مجمع‌الذخائر اسلامی.
- نیربروجردی، علی‌اصغر. (۱۲۷۵). ***نورالانوار فی رجعة الائمة الاطهار***. تهران: بی‌نا.
- هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۴۴). ***تذکرة ریاض‌العارفین***. به‌کوشش مهرعلی گرگانی. تهران: کتابفروشی محمودی.

References

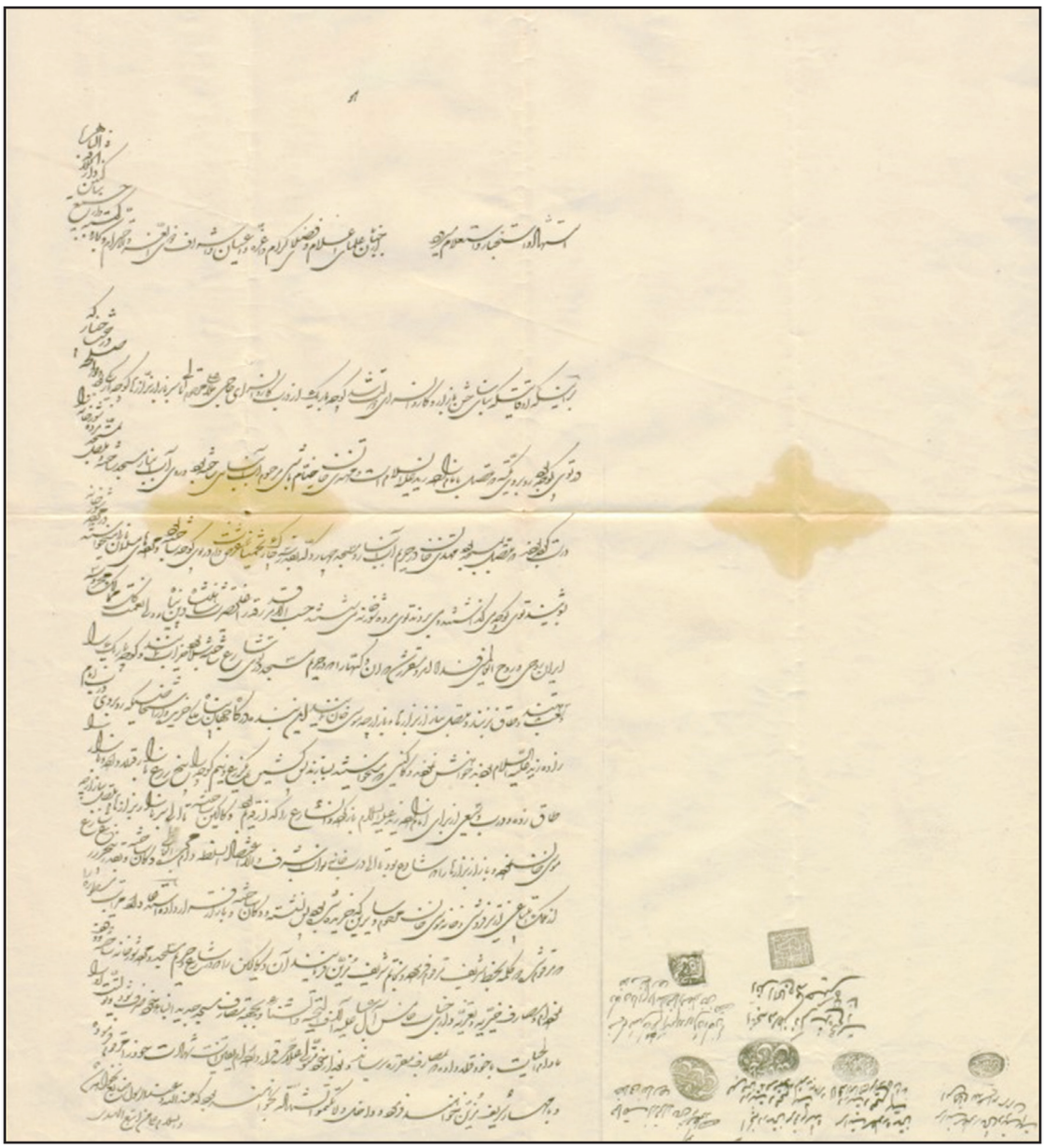
- Bamdad, Mehdi. (1985). A Biographical Account of Iranian Figures in the 11th, 12th, and 13th Centuries AH. Tehran: Zavvar.
- Eslami, Ebrahim. (1995). Saheb-e Javaher (The Immortal Jurist). [Place of publication unknown]: Islamic Propagation Organization.
- E'tezad al-Saltaneh, Aliqoli Mirza. (1991). Eksir al-Tavarikh. Edited by Jamshid Kianfar. Tehran: Wiseman.
- Hedayat, Rezaqoli Khan. (1965). Tazkerat-e Riyaz al-Arefin. Edited by Mehr Ali Gorgani. Tehran: Mahmoudi Bookstore.
- Naseri, Mohammad. (2005). Jurisprudential Foundations of Iranian Civil Law. Qom: Majma al-Zakha'er al-Islami.
- Neyrborujerdi, Ali Asghar. (1896). Nur al-Anwar fi Raj'at al-A'immah al-Athar. Tehran: Publisher unknown.
- Rezaei, Omid. (2011). An Introduction to Sharia Documents. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Zandieh, Hassan, and Maryam Bolandi. (2015). "Methods for Identifying Testimonial Documents." Historical Studies of the Islamic World, No. 6.
- Zandieh, Hassan, and Maryam Bolandi. (2021). Testimonial Documents in Islamic-Era Iran: A Formal and Content Analysis. Vol. 2. Tehran: Institute for Hawzah and University Studies.



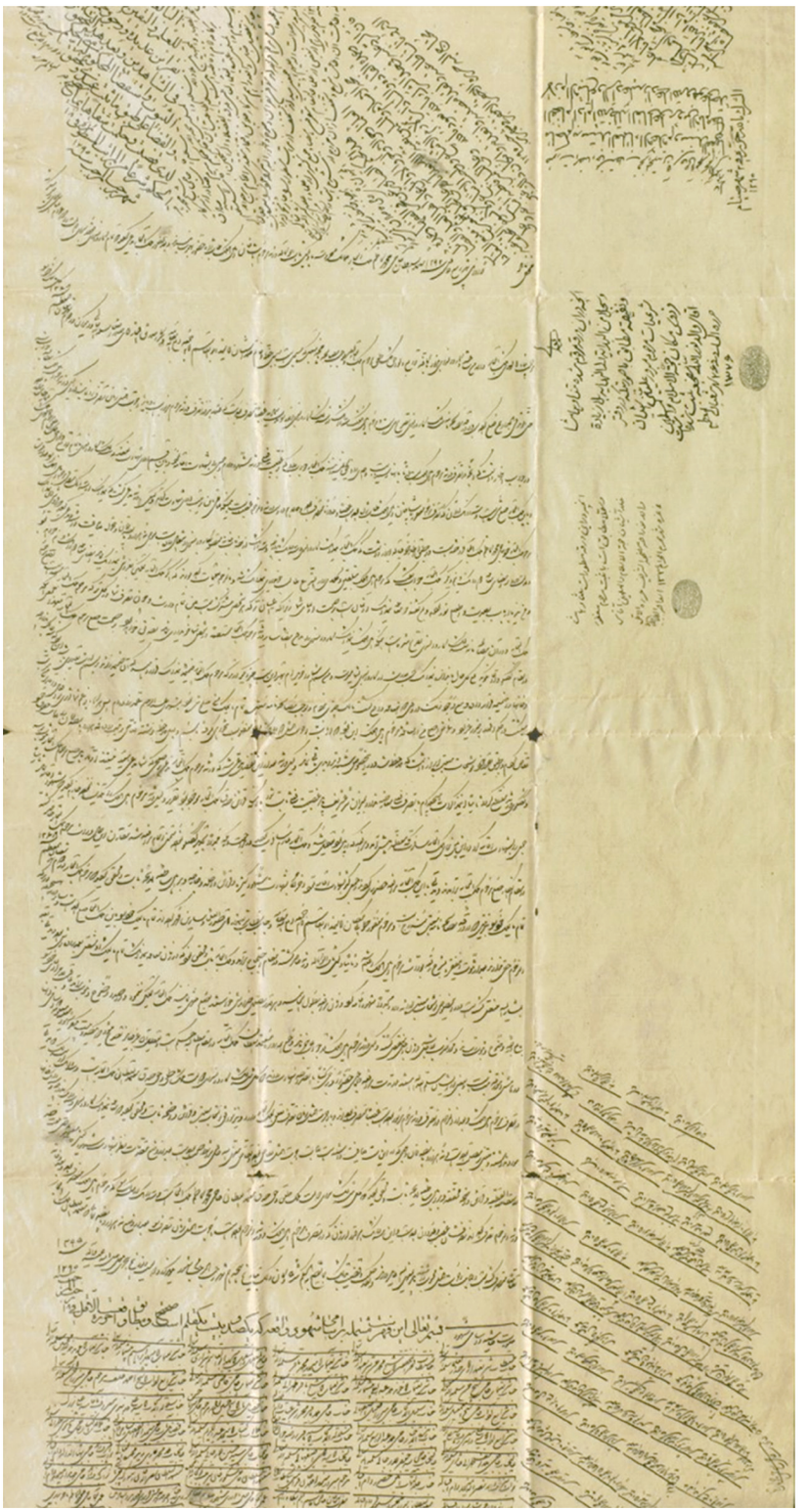
تصویر ۱-سواد حکم مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم امام جمعه بزرگ طهران



تصویر ۲-استشهادیهٔ تأیید مالکیت قصر امامزاده قاسم به محمدابراهیم خان جوانشیر



تصویر ۳- استشهادیهٔ تخریب چند دکه برای پهن کردن کوچه متصل به مسجد و مرده‌شورخانه متصل به امامزاده زید



تصویر ۴- استشهادیهٔ تعلق شش‌دانگ کاروانسرای امیرنظام به حاج محمدکاظم ملک‌التجار و تصرف عدوانی سه دانگ آن توسط امین‌الدوله